

بازخوانی تحلیلی انتقاد از مسئولان در نگاه اسلام با تکیه بر رهنمودهای
حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری
رضا مهدیان فر^۱، فاطمه داودی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

چکیده:

انتقاد از مسئولان در خصوص بررسی ضعف‌ها و عیوب آنها در راستای انجام وظایف حکومتی و مدیریتی است که در سخنان معصومان (علیهم السلام) و به تبع آنان در کلام رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای (دام عزه) نیز بارها مورد اشاره قرار گرفته است. از دیدگاه معارف اسلامی و امامین انقلاب، انتقاد از مسئولان باید از مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی برخوردار باشد تا بتواند باعث رشد و پیشرفت جامعه شود زیرا رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو عملکرد صحیح مسئولان آن جامعه است و از آنجا که مسئولان در معرض خطا و اشتباه هستند، آحاد جامعه با نظارت بر عملکرد آنها می‌توانند انتقاداتی بر اساس مؤلفه‌های تعیین شده وارد سازند که در تصحیح خطاهای آنان نقش بسزایی اعمال شود. بر این اساس ضروری است در این خصوص پژوهش انجام گیرد، بنابراین هدف اصلی از نوشتار حاضر بررسی بازخوانی تحلیلی انتقاد از مسئولان در نگاه اسلام با تکیه بر رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری می‌باشد، که بر اساس روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته و پژوهش از نوع کیفی است و از جمله مطالعات کتابخانه‌ای به شمار می‌رود، سؤال و مسأله اصلی این پژوهش چگونگی بازخوانی تحلیلی انتقاد از مسئولان در نگاه اسلام با تکیه بر رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است؟ از یافته‌ها و نتایج این پژوهش چنین می‌آید که در نظام اسلامی و از دیدگاه امامین انقلاب، انتقادی سازنده است که خیرخواهانه، آگاهانه، عادلانه، هدایت گونه، دوستانه، کبری از توهین و اهانت باشد و چنین انتقادی همراه با برکت برای جامعه اسلامی است و زمینه هدایت و اصلاح فرد و جامعه را فراهم می‌کند.

واژگان اصلی: نظام اسلامی، مسئولان نظام، انتقاد از مسئولان، رهنمودهای امامین، امامین انقلاب، انتقاد، مسئولان.

انتقادگری و انتقادپذیری از نیازهای یک مومن برای اصلاح گفتار و رفتار در راه تقرب به خدای متعال است. اعمال نظارت و انتقادگری از جانب مردم بر مسئولان، ابزاری مهم در جهت مبارزه با فساد مسئولان و بهبود حکمرانی است؛ اما این انتقاد باید بر اساس ویژگی‌های معرفی شده از سوی رهبران جوامع اسلامی و بر مبنای تعالیم اسلامی باشد. اهمیت این بحث زمانی روشن می‌شود که در تاریخ ایران سالیان متمادی حکومت پادشاهی برقرار بوده و تفکر «شاه سایه خداست» را در افکار عمومی جا انداخته بودند. از این رو خواه ناخواه ممکن است رسوبات این تفکر هنوز هم در اندیشه برخی از مسئولان هر چند به طور ناخود آگاه باقی مانده باشد. چنانکه طبیعت بیشتر انسان‌ها انتقاد را برنتابته و آن را با منافع خویش در تعارض می‌بینند. به لحاظ واقع هم آثار چنین اندیشه‌ای در جامعه قابل مشاهده است و افراد به دلیل پی‌آمدهای انتقاد از مسئولان هرگز حاضر به انتقاد از مدیران جامعه اسلامی نیستند. روشن است ترک چنین وظیفه‌ای زیان‌بار بوده و مانع از اصلاح امور و رشد جامعه خواهد بود. همچنین با توجه به اینکه نقدهای سازنده ریشه در اندیشه‌های بلند دارد؛ بیشتر انتقادات از سوی فرهیختگان جامعه طرح می‌شود و بی‌توجهی به آنها سبب شکل‌گیری این ایده خواهد شد که در جامعه اسلامی آزادی بیان نبوده و خفقان حکمفرماست. گستره تأثیرگذاری فرهیختگان نیز بر فزونی و عمق این ایده خواهد افزود. بنابراین شایسته است به منظور دفع و رفع این شبهه به تبیین دیدگاه اسلام که در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به عنوان رهبران انقلاب اسلامی تجلی یافته است پرداخته شود تا مبانی جمهوری اسلامی در این باره روشن شود.

حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری درباره انتقاد صحیح از مسئولان، سخنرانی‌ها و بیانات مختلفی ایراد کرده‌اند. منظور از انتقاد صحیح از دیدگاه امامین انقلاب این است که انتقاد به گونه‌ای باشد که موجب شناخت نقاط قوت و ضعف مسئولان حکومتی شود و از این طریق به

پیشرفت و اصلاح امور انجامد و منظور از «مسئول» یعنی کسی که مسئولیت دارد و کسی که باید در برابر سؤال پاسخگو باشد، یعنی امانت دار مسندی است که به وی سپرده شده است. اگر فرهنگ نقد کردن و نقد پذیرفتن، به درستی بیان شود و آداب نقد و ویژگیهای ناقدان و مرزهای روا و ناروای انتقاد به روشنی ترسیم گردد، بسیاری از تنشها و تشنجهای و کشمکشها فروکش می‌کند و بسیاری از سستیها و کاستیها، زمینه ظهور نمی‌یابند.

برای اینکه هدف اصلی انتقاد که تکامل و اصلاح فرد و جامعه است و مورد تأکید دین اسلام نیز می‌باشد، محقق شود، لازم است نقد مبتنی بر اصول و ویژگیهای نظام اسلامی و بر مبنای بیانات رهبران جوامع اسلامی انجام شود. از طرفی دغدغه موضوع در این است که انتقاد از مسئولان از موضوعات مهم جامعه است، زیرا برخی مسئولان هستند که بر مسند قدرت و حکومت نشسته‌اند و به تعبیر قرآنی استکبار می‌ورزند و یا تکبر آنها را گرفته و از درجه تحمل کمتری برخوردارند و نسبت به هرگونه انتقاد، واکنش‌های تند و خشونت باری بروز می‌دهد بنابراین باید انتقاد صحیح و بر اساس منابع اسلامی و رهنمودهای رهبران از آنها صورت بگیرد، در این صورت اگر انتقادی به آنها وارد شود بدون تندخویی در مقام پاسخ و اصلاح امور برمی‌آیند.

اکنون سؤال این است که انتقاد از مسئولان در نگاه اسلام با تکیه بر رهنمودهای امامین انقلاب چگونه باید باشد؟ و نویسندگان در صدد هستند که با مراجعه به منابع مرتبط با موضوع به این سؤال پاسخ دهند.

پیشینه تحقیق

تاریخ انتقاد به اندازه عمر بشر است. هر انسانی از زمانی که به سن تشخیص خوب و بد می‌رسد، به نقد کردن اعمال، سخنان و اندیشه‌های خود و دیگران می‌پردازد. اما پیشینه موضوع

انتقاد از مسئولان در نگاه اسلام با تکیه بر رهنمودهای امامین انقلاب به دوران سیره حکومت اسلامی پیامبر و حضرت علی (علیه السلام) بر می‌گردد زیرا اولین انتقادات نسبت به کارگزاران به ویژه در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) بود.

همچنین با پیروزی انقلاب اسلامی و رخت بر بستن حاکمیت استبداد، فضایی به وجود آمد که بینش‌های مردم به رشد و بالندگی رسید و مردم، هر یک، به نوبه خود دارای تجزیه و تحلیل شدند، کژیها و ناراستیها را بر نمی‌تافتند و نقد حاکمان و مسئولان انقلاب را حق اصلی و اساسی خود می‌شمردند و بعد از پیروزی انقلاب رهنمودهایی از سوی امامین انقلاب در خصوص نحوه انتقاد به مسئولان مطرح شد؛ در راستای دستیابی به پیشینه تجربی موضوع با توجه به جستجوهایی که در سایت‌های مختلف انجام گرفت در خصوص موضوع فوق برخی پژوهش‌ها و کتب وجود داشتند مانند: (۱) مقاله: «نقدپذیری حکومت و انتقادورزی جامعه در نگرش دینی» نوشته عبدالعلی محمدی، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان ۱۳۸۷ که نویسنده نقد را برای حکومت اسلامی ضروری دانسته ولی با رعایت شرایطی مانند ملاحظه تناسب و توازن در نقد، علم و آگاهی نسبت به موضوعات کشور، حسن نیت، واقع‌نگری و موقعیت‌سنجی برای نقد و انتقادورزی. (۲) مقاله: «اصول و روش‌های نقد و انتقاد از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه» نوشته محمد شعبانپور و فرشته کوئینی؛ این مقاله در خصوص مفهوم و جایگاه نقد و برخی از اصول نقد در ۱۰ صفحه نگارش یافته و فرق پژوهش حاضر با این تحقیقات در این است که در نوشتار حاضر به بررسی موضوع انتقاد از مسئولان در نگاه اسلام با تکیه بر رهنمودهای امامین انقلاب اشاره کرده است. (۳) کتاب: «کارگزاران شایسته در اسلام» تألیف سید مرتضی حسینی اصفهانی، قم: فرهنگ قرآن؛ ۱۳۸۴ (۴) کتاب: «امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره)»، تألیف: روح الله خمینی، تهران: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، ۱۳۹۴ هـ.ش. ۵) کتاب: «اخلاق نقد»، تأه‌یف: سید حسن اسلامی، چاپ اول. قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳. در هر صورت و چه تمایز این مقاله با تحقیقات مشابه در این است که در این نوشتار به بررسی و تحلیل ویژگی‌های انتقاد از مسئولان نظام اسلامی بر اساس رهنمودهای امامین انقلاب پرداخته می‌شود که آن هم با بیان مستندات از قرآن و روایات برای هر مؤلفه‌ای که در پژوهشهای پیشین به آن پرداخته نشده است.

مفهوم شناسی

مسئول: واژه «مسئول» در لغت به معنای سرپرست، رئیس، آمده است (عمید، ۱۳۷۹، ذیل واژه مسئول) همچنین به معانی مکلف، موظف، وظیفه مند، سرپرست، مامور، متصدی، مدیر، وظیفه شناس نیز می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۴۶۵) در اصطلاح به معنای کسی که نسبت به چیزی وظیفه یا تعهد دارد و یا آن‌که مورد پرسش یا بازخواست قرار می‌گیرد. (همان) همچنین «مسئول» یا «مسؤول» کلمه‌ای است برون «مفعول» که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده و امروز یکی از مصطلح‌ترین واژه‌ها در ذهن و زبان ایرانیان پارسی گوی است. معنای این واژه آن چنان که در تعریف اسم مفعول می‌گویند یعنی «کسی که زیر سؤال است»، «کسی که از وی پرسیده می‌شود» یا «کسی که باید از وی پرسیده شود». همچنین «مسئول» یعنی کسی که مسئولیت دارد؛ یعنی باید در برابر سؤال پاسخگو باشد. یعنی امانتدار مسندی است که به وی سپرده شده است.

انتقاد: واژه «انتقاد» در لغت به معنای اعتراض، ایراد، ایرادگیری، تنقید، خرده‌گیری، عیب‌جویی، نکته‌گیری است (معین، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۳۸). از تعبیرهای برخی واژه‌شناسان برمی‌آید چنانچه واژه انتقاد در مورد انسان به کار رود، مثلاً گفته شود: «فلانی را مورد نقد قرار دادم» به این مفهوم خواهد بود که سخن و کار او را ارزیابی کرده‌ام (فیروزآبادی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۴۳).

انتقاد مصدر باب افتعال است و در کُتب لغت عربی معنای جداگانه‌ای برای آن ذکر نشده است و در حقیقت، به عملیات نقد کردن، «انتقاد» گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۲۵). در زبان فارسی «انتقاد» در لغت دارای معانی سره کردن، نقد گرفتن پول، خرده گرفتن، جدا کردن خوب از بد یا کاه از گندم و مانند آن، به‌گزینی، شرح معایب و محاسن شعر یا مقاله یا کتابی یا سنجش اثر ادبی یا هنری بر معیار یا عملی تثبیت شده می‌باشد (معین، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۰۶). در اصطلاح انتقاد عبارت است از شرح معایب و محاسن شعر یا مقاله یا کتابی، یا سنجش اثری ادبی یا هنری بر معیار یا عملی تثبیت شده. (پیری، ۱۳۹۸، ص ۲).

۱. برخی مؤلفه‌ها و خصایص انتقاد صحیح از مسئولان

از اصول اخلاقی کارگزاران نظام اسلامی، انتقادپذیری است. امامان معصوم (علیهم السلام) در عین این‌که از خطا و گناه محفوظ بودند، ولی برای آموزش به دیگران و نیز اهمیت دادن به دیگران آن‌ها را تشویق به انتقاد از خودشان می‌کردند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «دوست‌ترین برادران من کسی است که عیوبم را به من تذکر دهد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۵). از دیدگاه اسلام نقد کردن مسئولان در عمل، در جامعه اسلامی ارزش محسوب می‌شود و نقدپذیری نیز در فرهنگ شیعی جایگاه اساسی دارد؛ در بیانات امامین انقلاب (امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای)، ویژگی‌هایی مانند: خیرخواهی، انصاف، عدم اهانت و.... برای انتقاد صحیح در نظر گرفته شده، در این قسمت از نوشتار به بررسی مهمترین این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۱. انتقاد خیرخواهانه و هدایت‌گونه

از آنجا که انتقاد به مفهوم ارزیابی عملکرد و گفتار دیگران است، ممکن است فضایی ایجاد شود که انتقاد را از مسیر اصلی خود خارج کرده و به سمت و سوی تخریب شخصیت افراد

ببرد. از این رو یکی از ویژگی‌های انتقاد خیرخواهانه بودن و هدایت‌گونگی آن است تا نقض غرض حاصل نشود و نتیجه عکس ندهد. در نظام اسلامی و از دیدگاه امامین انقلاب انتقادی سازنده است که خیرخواهانه باشد زیرا چنین انتقادی همراه با برکت برای جامعه اسلامی است. انتقاد خیرخواهانه باعث هدایت و اصلاح فرد و جامعه می‌شود. جدا کردن سره از ناسره و نشان دادن خوبی‌ها و درستی‌ها به هدف هدایت به سوی کمال و اصلاح امور انجام می‌شود. چنین نقدی خیرخواهانه و سازنده است و باعث پیشرفت و تکامل فرد و جامعه می‌شود. تمام نقدهایی که در قرآن مجید و روایات معصومین (علیهم السلام) وجود دارد، با همین هدف هستند (اسلامی، ۱۳۸۳: ص ۳۹).

امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «انتقاد بجا و سازنده، باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر به حق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مبرای از انتقاد ببیند...» (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ص ۱۷۹).

کسی که از روی دلسوزی و مهرورزی و با انگیزه بهبود بخشیدن به پیوندهای اجتماعی لب به سخن می‌گشاید و دست به قلم می‌زند، ناصح و خیرخواه است. بدین جهت، قرآن کریم در موارد بسیاری از پیامبران الهی، به عنوان «ناصح امین» نام برده است. جامعه‌ای که زمینه پذیرش نقد سالم و ناصحان امین در آن وجود داشته باشد، جامعه‌ای است عزتمند. بنابراین اگر در جامعه‌ای زمینه پذیرش نقد وجود نداشته باشد و ناقدان و ناصحان نتوانند انتقاد سالم خود را به گوش دیگران برسانند، آن جامعه بیمار است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲).

انتقادگری و انتقادپذیری را امام به عنوان یک فرهنگ در جامعه دینی مطرح کرد و بر این باور بود: نوآوری و ابتکار و رشد و حیات جامعه در سایه پرسش و پاسخ و نقد و انتقاد به دست می‌آید. از این روی، بی تفاوتی و نظاره‌گری را در جامعه دینی نمی‌پسندید و همگان را به

خیرخواهی و نظارت بر امور مسلمانان و اهتمام به کار مردمان فرا می خواند:

«ما از جانب خدای تعالی مأمور ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت را در مقابل خطرهایی که پیش بینی می شود، برای اسلام و استقلال مملکت جرم می دانیم، گناه بزرگ می شماریم» (موسوی خمینی: ۱۳۹۴، ص ۳۳).

قرآن مجید کتاب هدایت است و تمام آیات و برنامه‌های آن به هدف هدایت انسان‌هاست، از جمله نقلیهایی که در قرآن وجود دارند، هدف خیرخواهی و هدایت را دنبال می کنند؛ به عنوان نمونه، وقتی خداوند در آیه شریفه خطاب به ایمان‌آوردگان می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف: ۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می گوید که عمل نمی کنید؟!» در این آیه خداوند، آنها را به سبب تخلف کردار از گفتار و خلف وعده مورد انتقاد صحیح که خیرخواهانه باشد قرار می دهد، هدف هدایت و تربیت مردم است تا نقض عهد و خلف وعده نکنند.

مقام معظم رهبری نیز با استناد به آیه فوق لزوم خیرخواهی و نصیحت مومنین به یکدیگر را از ویژگی‌های انتقاد صحیح بر می شمارد و چنین بیان می دارند: «شما برادر مؤمن من هستی. چیزی را به مصلحت شما می گویم، این نحوه انتقاد ظاهرا اشکالی ندارد و چیز خوبی است که شرعا لازم است و انتقاد خیرخواهی است «النَّصِيحَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ» یا «لِلْإِخْوَةِ الْمُؤْمِنِينَ» یا «لِأَنَّمِ الْمُؤْمِنِينَ» بر این اساس نصیحت یعنی خیرخواهی. به عنوان مثال به کسی که می دانیم اگر وارد مقوله ای شد به ضرر کشور است بهتر است بگوییم وارد نشود این انتقاد خیرخواهانه است و امر و نهی نیست. حالا بعضی گفتند آقا دستور دادند، امر کردند، نه، گفتیم صلاح نمی دانیم. من صلاح نمی دانم. این چیز خوبی است. این چیز بدی نیست» (khamanei.ir) بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۷/۰۵).

چنانکه در روایات معصومین نیز به همین نکته، توجه ویژه شده و وجود خیرخواهان که منتقدان خیرخواه نیز از مصادیق آن به شمار می‌روند برای جامعه ضروری دانسته شده است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«لَا خَيْرَ فِي قَوْمٍ لَيْسُوا بِنَاصِحِينَ وَلَا يُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۸) آن مردمی که خیرخواه یکدیگر نیستند و خیرخواهان را دوست ندارند، از سعادت و بهروزی بی‌بهره‌اند. تعبیر امام (ع) با کلماتی چون نفی هرگونه خیر، بر ضرورت وجود خیرخواهان در جامعه تأکید دارد که در صورت فقدان آنان خیری در آن جامعه نبوده و به فلاح و صلاح و رشد نخواهند رسید. چنانکه تعبیر به دوست نداشتن خیرخواهان می‌تواند اشاره به این مطلب باشد که چه بسا خیرخواهان در جامعه حضور دارند لیکن افراد-از جمله مدیران- خیرخواهی آنان را بر نمی‌تابند. بنابراین سخن عرشی امام (ع) هشدار می‌دهد که به پی‌آمدهای فقدان خیرخواهان و برنتافتن آنان در جامعه است.

همچنین خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»؛ (احزاب: ۷۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید. در تفسیر آیه آمده است که کلمه سدید به معنای اصابت رأی است که نشان می‌دهد کلامی که لغو نباشد و فایده داشته باشد، قول سدید است. لذا فایده قول سدید این است که غیرمشروع نباشد یعنی این سخن برای سخن چینی و کلام لغو و مانند آن نباشد و بلکه نوعی خیرخواهی در قول سدید وجود دارد. از این رو مؤمنان وظیفه دارند کلام و گفتار خود را بسنجند اگر مایه فساد نبود و بلکه مایه هدایت و خیرخواهی و اصلاح بود آن را بر زبان بیاورند (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۱۶، ص ۳۴۷).

بر این اساس می‌توان گفت که اطلاق «قولا سدیداً» شامل انتقاد صحیح و خیرخواهانه و

خداگونه از مسولان حکومتی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که خیرخواهانه بودن و هدایت گونه بودن دو ویژگی و صفت برای انتقاد صحیح از مسولان در جامعه اسلامی هستند.

۱-۲. انتقاد آگاهانه

از دیگر ویژگی‌های مهم انتقاد بر اساس آموزه‌های اسلامی و بیانات و رهنمودهای امامین انقلاب، داشتن علم و آگاهی و شناخت نسبت به موضوع انتقاد است. از لغزش‌های برخی از افراد جامعه اسلامی این است که بسیاری از مسایل را بدون برهان و بی‌آنکه درک کنند، مورد نقد و اعتراض قرار می‌دهند. ردّ و انتقاد از هر چیز، مسبوق به درک آن است (ذاکری، ۱۳۸۸، ص ۳۹).

امام خمینی در عمل نحوه انتقاد عالمانه و آگاهانه را به اجرا درآورد ایشان در برخی مواقع حساس و در برهه‌ایی از زمان در دانش فقه و اصول، دیدگاه‌های فقیهان و عالمان بزرگی همچون: میرزای نائینی و اصفهانی را عالمانه نقد می‌کرد و به تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های آنان می‌پرداخت. ایشان، در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز همین روش را به کار گرفت. پدیده‌ها را درست تجزیه و تحلیل و ریشه‌یابی می‌کرد و سپس آنها را با منطق و استدلال به نقد می‌کشید و آن را عامل رشد و بالندگی می‌دانست.

امام خمینی همچنین در این زمینه می‌فرماید:

«واجب است که [ناقدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر] شرایط معروف و منکر را فرا گیرند و موارد واجب بودن و جز آن را بشناسند، تا این که در انجام این دو فریضه، خود گرفتار منکر نشوند». (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸). از این دیدگاه فقهی امام، چنین به دست می‌آید که هرگونه نقد و انتقاد در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی باید از روی آگاهی و شناخت صورت بگیرد.

آیاتی از قرآن کریم تصریح دارند که انسان نباید بدون علم و آگاهی کافی نسبت به امور، بر

آنها اصرار و پافشاری نماید و از جهل پیروی نماید:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶)؛

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش، چشم و دل همه مسئول‌اند».

این آیه از پیروی و متابعت هر چیزی که بدان علم و یقین نداریم، نهی می‌کند و چون مطلق و بدون قید و شرط است، پیروی اعتقاد غیرعلمی و نیز عمل غیرعلمی را شامل می‌گردد و معنایش چنین می‌شود: «به چیزی که علم به صحت آن نداری، معتقد مشو و چیزی را که نمی‌دانی، مگو و کاری را که علم بدان نداری مکن؛ زیرا همه اینها پیروی از غیرعلم است. پیروی نکردن از چیزی که بدان علم نداریم و همچنین پیروی از علم در حقیقت، حکمی است که فطرت خود بشر آن را امضاء می‌کند» (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۱۳، ص ۹۲).

مقام معظم رهبری نیز در بیانات خود به این صفت و ویژگی جهت انتقاد صحیح اشاره کرده‌اند و چنین می‌فرمایند:

«بیان نقاط ضعف یا نقطه نظر در مورد دیدگاه‌ها یا اشاره به عملکردها و تناقض در کلمات و یا موضع‌گیری افراد، با رعایت اخلاق و به صورت مستند و مستدل و از روی علم و آگاهی هیچ اشکالی ندارد» (khamanei.ir) بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۰۷/۰۷).

همچنین پیروی از هوا و هوس جاهلان سبب گمراهی بسیاری از افراد جامعه می‌شود:

«... وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (انعام: ۱۱۹) و بسیاری از مردم به خاطر هوی و هوس و بی‌دانشی (دیگران را) گمراه می‌سازند و پروردگارت تجاوزکاران را بهتر می‌شناسد؛ اینکه کسی یکباره دریچه ذهن خود را به روی مسائل باز کند و عقیده‌ای را بپذیرد، سپس دریچه ذهن را به روی همه چیز ببندد، باعث می‌شود که هر چه را با پذیرفته‌های قبلی وی ناسازگار باشد، رد کند و به جدل و منازعه برخیزد و در صدد مغلوب

ساختن طرف مقابل برآید. این حاکی از روحیه جدلی انسان است که چه بسا اغلب جدال‌ها هم به ناحق باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ص ۱۲۱)؛ چنانچه در قرآن آمده است:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (حج: ۸)؛ و گروهی از مردم بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی‌بخشی درباره خدا مجادله می‌کنند!»

بنابراین برای یک انتقاد صحیح لازم است که ناقد بدانند با چه مشکلی روبه‌رو است و آنچه را که می‌خواهد مورد نقد قرار دهد از کم و کیف و شرایط آن خبر و آگاهی داشته باشد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ قَصَرَ عَنِ مَعْرِفَةِ شَيْءٍ عَبَاهُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۴۲۰)؛ کسی که از شناخت چیزی ناتوان باشد، بر آن عیب می‌گیرد».

از این‌رو، ناقد پیش از اقدام به رد و انتقاد، تأمل می‌کند که آیا آنچه را می‌خواهد درباره‌اش قلم بزند یا زبان باز کند، فهمیده و دریافته است یا اینکه میل به شهرت و اظهار فضل وی را می‌دارد که نپذیرد و رد کند، هرچند مسأله ساده‌ای باشد که با دقت کم می‌تواند آن را هضم کند یا لحن و گویش خود را نرم‌تر کند یا تغییر دهد (موسی زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

بر این اساس، انتقاد هنگامی سازنده و اصلاح‌گر است که ناقد از روی علم و آگاهی کامل نسبت به موضوع اقدام به نقد نماید، در غیر این صورت، اگر هر فرد ناآگاهی به خود اجازه نقد بدهد، نه تنها اصلاح و پیشرفتی صورت نمی‌گیرد، بلکه منجر به جبهه‌گیری و برخورد منفی نسبت به نقد می‌شود (علی اکبری، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

خداوند متعال در آیاتی از قرآن چنین می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ * الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر: ۱۷-۱۸)؛ پس بندگان مرا بشارت ده همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایشان را هدایت کرده است و آنها خردمنداند».

بر اساس این آیه آن بندگان مشمول بشارت حق تعالی قرار می‌گیرند که تلاش ایشان تشخیص صحیح از سقیم و برگزیدن سخن صحیح است و بس (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۴۱۱)؛ بنابر این می‌توان گفت که عالمانه و آگاهانه بودن، ویژگی دیگری برای انتقاد صحیح از مسئولان در جامعه اسلامی می‌باشد.

۱-۳. انتقاد عادلانه

عدالت از جمله مهم‌ترین آموزه‌هایی است که در آیات و روایات بر آن تأکید فراوان شده است. عدالت نه تنها از اساسی‌ترین ویژگی‌های حاکمان شمرده شده است بلکه بر رعایت آن در رفتار و گفتار به ویژه در روابط اجتماعی که شامل روابط حاکمان و مردمان نیز است سفارش شده است. از این رو عدالت در روابط مردم و مسئولان رابطه‌ای دوسویه بوده و هر دو طرف آن ملزم به رعایت این ویژگی اخلاقی هستند. در غیر این صورت انتقاد، مصداق جور و ستم خواهد بود که قطعاً اثر سازنده نخواهد داشت. از دیدگاه اسلام یکی دیگر از ویژگی‌های مهم انتقاد با تکیه بر بیانات و رهنمودهای امامین انقلاب، انتقادی است که بر مبنای عدل و انصاف انجام گیرد؛ چنانچه خداوند با تأکید فراوان به اینکه سخن باید همراه با عدل باشد یکی از ویژگی‌های انتقاد صحیح را انتقاد با عدل و انصاف معرفی کرده است و به اهل ایمان فرمان می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، مبدا دشمنی با گروهی، شما را به ترک عدالت [و انصاف] متمایل کند. عدالت پیشه کنید که به تقوا نزدیک است و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید با خبر است».

در این آیه روی مسئله انتقاد صحیح با سخن گفتن عادلانه در جامعه اسلامی تأکید شده است

آنجا که گفته است از روی عدالت گواه دهید مبدا ترک عدالت کنید منظور این است که اگر سخنی در قالب انتقاد به مسئولی که در رأس امور قرار دارد، باید بگویید، باید عدالت در کلام انتقادی رعایت شود تا آن مسئول نیز اگر انتقادی بر او صورت گرفت بر اساس عدل پاسخگو باشد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

از دیدگاه امام خمینی (ره) ناقد خودساخته دارای سعه صدر و دریادل است، زود از میدان به در نمی رود به هنگام خشم، میزان و معیار از دست نمی دهد، حق پوشی و کتمان نمی کند و در هر فضایی که قرار گرفت به کاستی ها و کمبودها و ناشایستگی ها با عینک عدل و انصاف می نگرد و میزان داوریش من حیوانی او نیست (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۹، ص ۳۸۱).

مقام معظم رهبری نیز در خصوص انتقاد منصفانه بیانات و سخنان بسیاری ایراد کرده اند در یکی از این بیانات چنین می فرمایند: «انتقاد کردن ضرر و ایرادی ندارد، متها انتقاد منصفانه باید باشد. انتقاد، به معنای ارائه ی نقاط مشکل و راه حل آن نقاط و گشودن آن گره ها است» (khamanei.ir) بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۶/۰۳).

همچنین حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار اعضای هیأت دولت، در خصوص انتقاد منصفانه چنین می فرمایند :

«انتقاد اگر دلسوزانه و منصفانه باشد، کمک هم می کند. اگر انتقادی دلسوزانه هم نبود، بالاخره دانسته می شود. در مقابل حرکت دولت، اگر یک وقت عیبجویی غیرمنصفانه ای هم بشود، نخواهد توانست افکار عمومی و واقعیت های بیرونی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین من نمی خواهم انتقاد را منع کنم؛ اما تخریب را چرا. تخریب به هیچ وجه مصلحت نیست. با هیچ توجیهی کسی نمی تواند خود را قانع نماید که دولت را تخریب کند» (khamanei.ir) بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۰۶/۰۴).

بنابراین می‌توان گفت اگر انتقاد صحیح و منصفانه باشد، مسئولین نیز عدالت محور می‌شوند و مسلماً انتقادپذیر نیز خواهند شد و در اجرای عدالت قاطعیت نیز به کار می‌برند (حسینی اصفهانی، ۱۳۸۴، ص ۸۷).

۱-۴. پیراسته از توهین و سخن ناشایست

از دیگر صفات و ویژگی‌های انتقاد صحیح در جامعه اسلامی عدم توهین و اهانت در انتقاد است؛ انتقاد صحیح و سازنده با اهانت و هتک حرمت بسیار متفاوت است. از اصول انتقاد سازنده، رعایت آداب و اخلاق اسلامی و پرهیز از بدزبانی، افتراء، اتهام و هتک حرمت افراد است. اینکه بی‌درنگ مسئولان را به دلیل برخی عملکرد و اظهارات آنان، متهم به خیانت و مانند آن کنند، صحیح نبوده و چنین برخوردی مصداق انتقاد صحیح نیست. بیان نقاط ضعف یا نقطه نظر در مورد دیدگاه‌ها یا اشاره به عملکردها و تناقض در کلمات و یا موضع‌گیری افراد، با رعایت اخلاق و به صورت مستند و مستدل هیچ اشکالی ندارد (اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

منطق قرآن و دستور خداوند متعال به حضرت موسی و هارون (علیهما السلام)، باید در این زمینه راهنمای هر مسلمانی باشد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه: ۱۴)؛ اما به نرمی با او سخن بگویند، شاید متذکر شود یا (از خدا) بترسد»؛ بر این اساس، انتقادی صحیح است که بدون توهین و سخن ناشایست باشد؛ چنین نقد اصولی و صحیح موجب نمایاندن محاسن و معایب فرد و جامعه می‌شود و برای پیشرفت فرد و جامعه سودمند است، اما برای اجرای آن نباید پا از حدود شرع بیرون گذاشت و در حقیقت، نباید برای انجام چنین کار سودمندی به واجبات شرعی بی‌اعتنا بود و مرتکب محرّمات شد. یکی از محرّمات که احتمال انجام آن در حین انتقاد زیاد است، بدزبانی و دشنام‌گویی است که منتقد می‌پندارد چون حق با اوست، می‌تواند از هر زبانی و واژگانی استفاده کند.

از این رو امام راحل با لحنی پدرانه و خیرخواهانه به ناقدان ناآگاه می‌گوید:

«تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل، به اشکال‌تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها، امروز طفلی تازه پا و ولیده‌ای محفوف به دشمن‌های خارج و داخل، رحم کنید» (خمینی: ۱۳۹۴، ج ۲۱، ص ۱۸۰).

مقام معظم رهبری نیز در خصوص عدم توهین و اهانت در انتقادات، چنین می‌فرماید:

« من مردم عزیزمان را به بی‌تفاوتی دعوت نمی‌کنم، به نظارت نکردن دعوت نمی‌کنم؛ آنها را به اهتمام در مسائل اساسی کشور دعوت می‌کنم؛ اما اصرار می‌کنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولین و نه از سوی مسئولین نسبت به منتقدین، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد» (khamanei.ir) بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

هدف از نقد، اصلاح و پیشرفت فرد و جامعه است و یک منتقد زمانی می‌تواند به این هدف دست یابد که با کلام شایسته و از روی ادب و لطف با مخاطب برخورد نماید و از این طریق، خیرخواهی خود را نشان دهد تا کلام و رفتارش در دل و جان مخاطب نفوذ کند و تأثیر مطلوب ایجاد نماید، حال آنکه دشنام‌گویی مانع از نفوذ و سدّ راه همدلی است. اگر هم کمترین امکان تأثیری در میان باشد، دشنام دادن و بدگویی آن را از میان می‌برد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۷).

قرآن کریم حتّی دشنام دادن به مشرکان را درست نمی‌شمارد و مؤمنان را کسانی می‌داند که از هرگونه لغوی دوری می‌گزینند و نیز حتّی به جاهلان پاسخی در خور و مسالمت‌آمیز می‌دهند:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ... (انعام: ۱۰۸): (به معبود) کسانی

که غیر خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل خدا را دشنام دهند».

حضرت علی (علیه السلام) هنگامی که در جنگ صفین دید که یارانش به لشکریان معاویه دشنام می‌دهند، آنان را از این کار برحذر داشت و فرمود:

«من خوش ندارم شما دشنام‌گو باشید، لیک اگر کرده‌های آنان را بازگوئید و حالشان را فرا یاد آرید، به صواب نزدیک‌تر و در عذرخواهی رساتر باشد» (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۲۰۶).

همچنین مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«تذکر دادن باید جوری باشد که موجب بی‌اعتمادی عمومی نشود، اهانت وجود نداشته باشد و روش‌های خشم‌آلود وجود نداشته باشد؛ همه با برادری اسلامی به مسئله‌ی ارتباط میان دولت و ملت نگاه کنند و با آن شیوه رفتار نکنند» (khamanei.ir بیانات رهبری ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

انتقاد صحیح باید به گونه‌ای باشد که شخصیت و منزلت افراد تحقیر نشود. در مورد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است که: «إِذَا بَلَغَهُ عَنِ الرَّجُلِ شَيْءٌ لَمْ يَقُلْ مَا بَالَ فُلَانٌ وَ لَكِنْ يَقُولُ مَا بَالَ أَقْوَامٌ يَقُولُونَ حَتَّى لَا يَفْضَحَ أَحَدًا» (ابشیهی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۱۶)؛ هنگامی که به آن حضرت خبر می‌رسید که فلانی عملی خلاف انجام داده (در مقام انتقاد با حضور مردم از آن شخص نام نمی‌برد و به آبروی او لطمه نمی‌زد) و نمی‌فرمود: چرا فلانی چنین کرده؟ بلکه می‌فرمود: چرا کسانی چنین می‌گویند (و چنین می‌کنند)؟ تا کسی رسوا نشود».

در واقع، امامین انقلاب بر اساس دیدگاه‌های قرآنی و روایی هر دو دستور می‌دهند که مسلمانان حتی در برابر دشمن، اصول ادب و عفت کلام را حفظ کنند، چراکه با دشنام نمی‌توان گمراهان را به سوی حق سوق داد، بلکه به عکس، دشنام موجب لجاجت بیشتر خواهد شد. بنابراین، انتقاد صحیح از مسئولان در جامعه اسلامی باید با منطق، برهان و نزاکت اخلاقی، همراه باشد و به دور از اهانت و افتراء باشد به حدی که مسئولین از شنیدن انتقاد صحیح بدون اهانت به سوی عملکرد خوب و درستی‌ها جذب شوند.

۱-۵. انتقاد دوستانه با رعایت تقوا

از دیگر صفات و ویژگی‌های انتقاد صحیح و سازنده از مسئولان در جامعه اسلامی دوستانه

بودن انتقاد و بر اساس معیار تقوا است نه اینکه از روی کینه‌ورزی و دشمنی انتقاد مطرح شود. در فرهنگ نقد، رعایت آداب و ویژگی‌هایی که انتقاد را به دو بخش انتقاد سازنده و یا ویرانگر تقسیم می‌کند باید مدنظر باشد، انتقادهای برخاسته از حسدها و غرض‌ورزی‌ها و خصم و دشمنی، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه وضع را بدتر می‌سازد؛ زیرا انسان کینه‌توز نمی‌تواند به انتقاد درست دست یابد انتقاد دوستانه بر اساس تقوا مطرح می‌شود. چنانچه در روایت نیز آمده است که: «النَّصِيحَةُ مِنَ الْحَاسِدِ مُحَالٌ» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۵) نصیحت و خیرخواهی از حسود، محال است؛ از این رو، بسیاری از نقدهای وی انتقام است؛ هدف از انتقاد، تنها برشمردن عیب‌ها و کاستی‌ها نیست، بلکه پیدا کردن راه‌های درمان برای دردهای موجود و رهایی از بحران و آشفتگی و نابسامانی نیز هست.

امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «آنهایی که می‌خواهند صحبت کنند... بنشینند و با خودشان فکر کنند، ببینند این زبان چماق است و می‌خواهد بر سر یکدسته دیگر کوبیده شود، یا این که زبان زبان رحمت است و برای وحدت. اگر چنانچه مالک نفس خودشان هستند و این امر مهم را، که مالکیت شخص بر نفس خودش است... و می‌تواند ادعایی را که حضرت موسی پیغمبر بزرگ کرد، آنها هم بکنند که: «لا املک الا نفسی و اخی» سخن بگویند و انتقاد بکنند، اما کسی که به این مقام نرسیده باید بگوید: «انی لا املک نفسی ولا اخی.» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۹۷).

شخصی که قلم به دست می‌گیرد و مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را به بوته نقد می‌نهد، باید تقوای قلم و سخن داشته باشد و این تقوا پشتوانه‌ای محکم و استوار می‌خواهد که نامش (مالکیت بر نفس) و زمامداری خویشتن خویش است.

بنابراین منظور از انتقاد و پذیرش آن، اصلاح است؛ یعنی افراد اجتماع در نظام اسلامی موظف هستند به منظور اصلاح امور، اشکالات کار مسئولان را بازگو نمایند و مسئولان نیز موظف

هستند که به آن انتقادات گوش دهند و درصدد اصلاح برآیند و بر طبق « اَلْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ (حرانی، ۱۴۰۸، ص ۱۷۳)؛ مؤمن آئینه مؤمن است» باشند، نه براساس دشمنی و تخریب یکدیگر. به عقیده امام خمینی (رحمة الله): «روزنامه‌ها که افکار عمومی را منعکس می‌کنند و به انتقاد می‌پردازند، نباید با کسی دشمنی داشته باشند، بلکه باید کار آن‌ها حالت ارشاد داشته باشد؛ زیرا انتقاد در یک جامعه، لازم و باعث پیشرفت و اصلاح می‌شود؛ سرتاپای انسان عیب است و باید عیب‌ها را گفت و انتقادات را کرد. تا جامعه اصلاح بشود» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۴۰۱).

همچنین ایشان می‌فرماید: «مهم در همه افراد و خصوصاً شما آقایان که در مجلس هستید و مجلس مبدأ همه چیزهایی است که در کشور واقع می‌شود، مهم این است که در مقام بیان مسائل و ردّ مسائل، انتقاد و تکذیب به آن‌جا نرسد که قوه عقليه کنار و با قوه غضبيه انسان وارد میدان بشود. اگر یک کسی هم فرض کنید از زبانش یک مطلبی برخلاف شما صادر شد، شما بروید و مطلب را منطقی صحبت کنید، با داد و فریاد و... حرف زشت زدن کار درست نمی‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۳۶۸).

مقام معظم رهبری در خصوص صفت دوستانه بودن برای انتقاد صحیح و دوری از خصمانه بودن انتقاد چنین می‌فرماید:

«انتقاد یک عمل دوستانه است نه خصمانه؛ بدبینی به سپاه، دولت، مجلس، قوه قضائیه، نهادهای انقلابی و... چیز بدی است؛ ولی انتقاد اشکالی ندارد، بلکه برای اصلاح لازم است. گاهی اوقات انتقاد بایستی عمومی هم باشد؛ ما همیشه معتقد نیستیم که انتقاد بایستی درگوشی باشد؛ اما اینکه به نحوی انتقاد شود که آن شنونده‌ی انتقاد به تعبیر رایج بند دلش پاره بشود و بگوید «دیگر همه چیز از دست رفت» این جوری نباید انتقاد کرد» (khamaneh.ir بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۷/۰۶/۱۵).

در انتقاد سالم، عالم محضر خداست و انسان‌ها همه آفریده‌های او هستند لذا کاستی‌ها و

ضعف‌ها، با توجه به این بینش، به گونه‌ای مطرح می‌شوند که ناسازگار با آن حضور نباشد. انتقام گرفتن خوبی است حیوانی، در برابر انتقاد سالم.

در جامعه اسلامی از منظر امامین انقلاب انتقاد صحیح، غیر از انتقام‌جویی است. اگر کینه‌توزی به جای مهرورزی و مهربانی بنشیند، پرده‌ای تار در پیش چشم آدم کشیده می‌شود که بین انسان و حقیقت و واقعیت، فرسنگ‌ها فاصله می‌اندازد و در نتیجه، نگاه انسان نگاهی دشمنانه و حرکت‌های بعدی او هم حرکت‌های براندازی و نفاق‌گونه خواهد شد. بنابراین اگر نقد و انتقاد به درگیری و دشمنی - و به قول معروف، مچ‌گیری و رو کم کنی - و انتقام‌جویی منجر شود، نه تنها مشکلی گشوده نخواهد شد، بلکه بر مشکل‌ها افزوده می‌شود.

چنانچه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ فَإِنَّهُمَا يَمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ يَنْبِتُ عَلَيْهِمَا النِّفَاقَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۰)؛ از بگو مگوهای بی حاصل و دشمنی‌ها بپرهیزید! زیرا این دو مایه بیماری دلها و زمینه ساز نفاق در میان مؤمنان است.

پرخاشگری و ستیزه‌جویی و به کار گرفتن عبارت‌ها و تعبیرهای نیشدار و کینه‌توزانه، بذر بدبینی و بدخواهی را در جامعه می‌افشاند و نتیجه‌ای جز تشنج و سلب آرامش و آسایش به دنبال ندارد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا سُؤْدَدَ مَعَ اِنْتِقَامٍ» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۷)؛ بزرگواری و آقایی از راه انتقام به دست نمی‌آید.

مقام معظم رهبری در سخنی دیگر چنین می‌فرماید: «نقد را با عیب‌جوئی و با عصبانیت و با بهانه‌گیری نباید اشتباه کرد؛ اما نقادی باید کرد. در عین حال نقدپذیر هم باید بود» (khamanei.ir بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

کسی که به بهانه انتقاد می‌خواهد انتقام شخصی و یا گروهی خود را از دیگران بگیرد، دارای

روحیه خود کم بینی و حقارت نفس گردیده است که شفای خاطر خود را در تخریب دیگران می بیند نه اینکه انتقاد صحیح کند؛ از این رو، هیچ گاه نمی تواند گام اصلاحی بردارد و سخن مصلحانه و خیرخواهانه بر زبان و قلم خودجاری سازد. ناقد مبتلای به این درد، نمی تواند نسخه شفابخش بیچد.

بحث و نتیجه گیری

براساس مطالب پیش گفته این نتیجه به دست آمد که با توجه به پیشینه حکومت های پادشاهی در ایران که شاه را سایه خدا دانسته و وی را از هر گونه انتقاد و مخالفتی میرا می دانستند ممکن است رسوبات چنین اندیشه ای در افکار مدیران و مسئولان باشد و سبب برتافتن انتقاد شود. در نتیجه شبهه ای در اذهان ایجاد شود که در نظام اسلامی آزادی بیان نبوده و انتقاد جایی ندارد. لیکن با توجه به آنچه گذشت روشن شد که در معارف اسلامی و از دیدگاه امامین انقلاب، انتقاد امری کاملاً پذیرفته شده و برای رشد و صلاح جامعه ضروری است. اما انتقادی سازنده است که دارای ویژگی هایی مانند:

۱. خیرخواهانه باشد زیرا چنین انتقادی همراه با برکت برای جامعه اسلامی است و زمینه هدایت و اصلاح فرد و جامعه را فراهم می کند.
۲. همراه با علم و آگاهی و شناخت نسبت به موضوع انتقاد باشد و از انتقاد بدون شناخت و از روی جهل پرهیز شود.
۳. انتقاد بر مبنای عدل و انصاف انجام گیرد؛ در غیر این صورت خود مصداق جور بوده و سازنده نخواهد بود.
۴. از دیگر صفات انتقاد صحیح در جامعه اسلامی پرهیز از توهین و اهانت در انتقاد است؛

انتقاد صحیح و سازنده با اهانت و هتک حرمت بسیار متفاوت است. از اصول انتقاد سازنده، رعایت آداب و اخلاق اسلامی و پرهیز از بد زبانی، افترا، اتهام و هتک حرمت افراد است. ۵. از دیگر مولفه‌های انتقاد از مسئولان، دوستانه بودن انتقاد و رعایت معیار تقوا است که مانع از انتقاد از روی کینه تیزی و دشمنی است.

فهرست منابع:

- *قرآن مجید. ترجمه حسین انصاریان.
- *نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابشیهی، شهاب الدین بن ابوالفضل، المستطرف فی کل فن مستطرف، محقق: سعید محمد لحام، بیروت: نشر عالم الکتب، ۱۴۰۸هـ.ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۴۱۶هـ.ق.
- اسلامی، سید حسن، اخلاق نقد، چاپ اول. قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳هـ.ش.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان قوه‌ی قضائیه در آستانه سالروز هفتم تیر در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۵
- بیانات مقام معظم رهبری در ابتدای درس خارج فقه، در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۵
- بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۰۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۰۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، در تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۵.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیأت دولت در تاریخ: ۱۳۸۱/۰۷/۰۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت در تاریخ ۱۲۹۵/۰۷/۰۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نخبگان علمی و دانشجویان، در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۰۷.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد؛ در تاریخ ۱۳۸۶/۰۲/۲۵.

- پیری، معصومه، مقاله "مفهوم انتقاد"، تهران، ۱۳۹۸.
- تمیمی آمدی، احمد، غررالحکم و درر الکلم، بیروت: نشر کتب علمیه، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- جوادی آملی، آیت الله، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی: قم: فرهنگی رجاء، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- حسینی اصفهانی، سید مرتضی، کارگزاران شایسته در اسلام، قم: فرهنگ قرآن، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، اخلاق حرفه‌ای، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ذاکری، عیار نقد (اصول نتایج و گونه‌های نقد)، تهران: مؤسسه خانه کتاب، چاپ اول ۱۳۸۸ هـ.ش.
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات قرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب اسلامیه، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- صدوق، محمد، الخصال، قم: نشر دارالمعارف، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- علی اکبری، حسن، اخلاق کارگزاران در نهج البلاغه، تهران: نشر رجاء، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- عمید، حسن، فرهنگ لغت عمید، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- فرامرزی قراملکی، نقد در ترازوی اخلاق، چاپ اول. تهران: مؤسسه خانه کتاب، ۱۳۸۹ هـ.ش.
- فیروزآبادی، یعقوب، قاموس محیط، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: منشورات دارالرضی، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- مجلسی، بحار الانوار، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- معین، محمد، فرهنگ لغت معین، تهران: نشر سرایش، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷ هـ.ش.

موسوی خمینی، روح الله، امر به معروف ونهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، ۱۳۹۴ هـ.ش.
مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: کتب اسلامیه، ۱۳۷۵ هـ.ش.
موسی زاده، سید محمد، ویژگی‌های شخصیتی مدیران در سیره علوی، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۸۲ هـ.ش.
سایت: khamanei.ir